

مزد حداقل در سال ۱۳۹۷:

اراده مشترک دولت و کارفرما در تحمیل فقر و تیره روزی بر طبقه کارگر در ایران

به گزارش خیرگزاری ایلنا «اعضای کارگری، دولت و کارفرمایی شورای عالی کار با افزایش ۱۹/۸ درصدی حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۷ و همچنین افزایش ۱۲ درصدی مزد برای سایر سطوح به علاوه ۲۴۱۸۸ ریالی روزانه مزد به طور کلی توافق کردند».

در همان نگاه اول می توان دید که مزد حداقل سال ۱۳۹۷، درست مانند مزدهای حداقل در سال های گذشته، معادل حدود ۲۰ تا حد اکثر ۲۵٪ هزینه متوسط ماهیانه یک خانوار شهری ۴ نفره است. به عبارت دیگر تنها برای تأمین مخارج زندگی ۶ یا ۷ روز یک خانواده چهار نفره شهری کفایت می کند. حتی اگر در چنین خانواری دو نفر (زن و مرد) با مزد حداقل کارکنند باز بیش از نیمی از ماه پولی برای تأمین زندگی خانواده نخواهند داشت! برای روشن شدن بیشتر موضوع هزینه زندگی متوسط یک خانوار شهری و مزد حداقل را از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ در جدول زیر می آوریم:

ارقام به هزار تومان در ماه

سال	1385	1386	1387	1388	1389	1390	1391	1392	1393	1394	1395
هزینه متوسط ماهیانه زندگی یک خانوار شهری	664	844	962	1059	1180	1449	1804	2370	2739.7	2938.8	3275
مزد حداقل ماهیانه	150	183	219.6	263.5	303	330	389.7	487	609	712	812
تعداد متوسط اعضای خانوار (نفر) یا بُعد متوسط خانوار	4.05	3.95	3.86	3.76	3.70	3.53	3.46	3.47	3.44	3.38	3.33
نسبت مزد حداقل به هزینه متوسط زندگی یک خانوار شهری با بُعد متوسط	%22.6	%21.7	%22.9	%24.8	%25.7	%22.8	%21.6	%20.5	%22.2	%24.2	%24.8
نسبت مزد حداقل به هزینه متوسط زندگی یک خانوار شهری 4 نفره	%22.8	%21.4	%22.0	%23.4	%25.7	%20.0	%18.7	%19	%19.1	%20.5	%20.6

(منبع: داده های بانک مرکزی در مورد هزینه خانوار و بُعد خانوار و داده های وزارت کار در مورد مزد حداقل)

از آنجا که ارقام رسمی در مورد هزینه زندگی متوسط خانوار شهری و تعداد متوسط اعضای خانوار شهری را برای سال ۱۳۹۶ در دست نداریم داده های جدول تنها تا آخر سال ۱۳۹۵ تنظیم و محاسبه شده اند. بی گمان نسبت مزد حداقل به هزینه متوسط زندگی یک خانوار شهری در سال ۱۳۹۶ نیز رقمی در حدود ۲۰ تا ۲۲ درصد و در مورد سال ۱۳۹۷ نیز با احتمال بسیار زیاد رقمی در همین حدود خواهد بود. آری مزد حداقل یک کارگر در نظام سرمایه داری ایران و در حکومت جمهوری اسلامی حتی کفاف یک هفته زندگی متوسط یک خانوار شهری را نمی دهد.

مزد حداقل ساعتی در ایران یکی از پائین ترین مزدهای حداقل ساعتی در جهان است. مزد حداقل در ایران در حدود یک دلار در ساعت است. این مبلغ نه تنها با مزد حداقل در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، یعنی مزد کارگر ساده با کمترین مهارت در آن کشورها که بین ۸ تا حدود ۲۰ دلار در ساعت نوسان می کند، قابل مقایسه نیست بلکه از مزد حداقل در کشورهایمانند برزیل (۱/۵۳ دلار در ساعت)، بلغارستان (۱/۵۷ دلار در ساعت)، شیلی (۲ دلار در ساعت)، رومانی (۲/۲۵ دلار در ساعت)،

مجارستان (۲/۱۲ دلار در ساعت)، ترکیه (بیش از ۳ دلار در ساعت)، یونان (۴/۶ دلار در ساعت) و غیره هم بسیار کمتر است.

شورای عالی کار در مورد مزدهای بالاتر از مزد حداقل هم فرمولی ارائه کرده است. طبق این فرمول افزایش اسمی مزدها حتی از افزایش اسمی مزد حداقل که ۱۹٫۸٪ اعلام شده کمتر خواهد بود. مثلاً طبق این فرمول، کارگری که در سال ۱۳۹۶ مزدی معادل یک و نیم میلیون تومان در ماه داشته، در سال ۱۳۹۷ مزد او به حدود یک میلیون و هفت صد و پنجاه و دو هزار تومان (یا دقیقاً به ۱۷۵۲۵۶۴ تومان) خواهد رسید که بیانگر افزایشی اسمی به میزان ۸/۱۶ درصد است و نه ۱۹/۸ درصد.

اکثریت عظیم مزدها در ایران در حد نصف خط فقر مطلق (یعنی مزد بقا یا مزد بخور و نمیر) و یک چهارم خط فقر نسبی است. (منظور از خط فقر نسبی درآمدی است که نیازهای بقا به علاوه حداقلی از نیازهای آموزشی، فرهنگی و غیره را که البته کمتر از میانگین جامعه است تأمین کند). نقش و عملکرد شورای عالی کار تعیین چنین مزدی است که حتی به نصف مبلغ لازم برای زنده ماندن و کارکردن نمی رسد. مزدی که برای تأمین هزینه زندگی یک هفته یک خانوار شهری هم کافی نیست در حالی که نرخ سود سرمایه در ایران یکی از بالاترین نرخ های سود در جهان است. بدین سان مبارزه برای افزایش مزد همچنان یکی از عرصه های مهم مبارزه طبقاتی کارگران است و تا زمانی که سرمایه داری و نظام کارمزدی باقی است همچنان یک عرصه مبارزه کارگران باقی خواهد ماند.

اما مبارزه برای افزایش مزد و به طور کلی مبارزه اقتصادی- اجتماعی طبقه کارگر به تنهایی برای تغییر وضعیت این طبقه کافی نیست. کارگران برای رهائی از استثمار و ستم سرمایه داری باید علاوه بر مبارزه در عرصه های اقتصادی - اجتماعی و رفاهی به مبارزه در عرصه های سیاسی و فرهنگی نیز بپردازند. زیرا برای تغییر جامعه باید سیاست حاکم بر جامعه تغییر یابد و این تغییر در جهت منافع اکثریت افزارد جامعه باشد. کارگران و خانواده هایشان به تنهایی بیش از ۶۰٪ جمعیت کشور را تشکیل می دهند و بیش از ۸۰٪ ثروت اجتماعی را تولید می کنند. اما هیچ سهم و نقشی در سیاست حاکم بر جامعه ندارند. به همین علت است که استثمارگران و دولت حامی آنها یعنی رژیم ضد کارگری و ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی به خود اجازه می دهند هرگونه ستم و سرکوبی بر کارگران و دیگر زحمتکشان و به طور کلی بر ۹۹٪ افراد جامعه روا دارد و جامعه را به تباهی بکشانند.

بدین سان کارگران علاوه بر مبارزه برای مزد حداقل معادل ۵ میلیون تومان در ماه برای سال ۱۳۹۷ که در بیانیه مشترک ۱۵ بهمن ۱۳۹۶ سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه و گروه اتحاد بازنشستگان و نیز بیانیه های تعداد زیادی از دیگر فعالان کارگری اعلام گشته ادامه دهند، بلکه باید به مبارزه برای پرداخت مزدهای عقب افتاده، پرداخت حقوق بیکاری به تمام بیکاران و جویندگان کار، تأمین خواست های بازنشستگان، رفع تبعیض جنسی، دینی، ملی و قومی در محیط کار و جامعه و برابری مزد زنان با مردان برای کار یکسان بپردازند.

مبارزه برای تشکل و تحزب، آزادی بیان، تظاهرات، اعتراض و اعتصاب، پشتیبانی از مبارزات زنان برای آزادی و حقوق برابر با مردان در تمام زمینه ها، مبارزه برای جدائی دین از دولت و آموزش عمومی، مبارزه برای برابری حقوق همه ملت های ساکن ایران و حق آنها در تعیین سرنوشت خود، مبارزه با سیاست سرکوب رژیم در عرصه های داخلی و خارجی و غیره برای پیشبرد مبارزات و جایگاه طبقه کارگر در جامعه اهمیت حیاتی دارند. در یک کلام طبقه کارگر نه تنها باید به مبارزه سیاسی روی آورد بلکه باید سیاست مستقل خود و حزب سیاسی مستقل و انقلابی خود را داشته باشد تا مبارزات این طبقه و همه زحمتکشان را تا برانداختن سرمایه داری، نظام کارمزدی و هرگونه ستم و استثمار به پیش برد.

۲۸ اسفند ۱۳۹۶

ruwo.iran@gmail.com

کارگران انقلابی متحد ایران